

## غلط‌های مشهور

احمد علی سپهر ( مورخ الدوله )



چنانکه اسکار اولد مینویسد :

« کند ذهنی میراث نژاد انگلیسی است » ، وبالدرین صدر اعظم در سال ۱۹۳۷ می گفت : « سر عظمت برطانی کبیر در این نهفته است که ما انگلیسها در اقدامات خود هرگز از عقل و منطق متابعت نکرده ایم . » یکی از مورخین شهیر فرانسوی آندره موروا که تمایلات انگلیس پرستانه او بر احدی پوشیده نیست و چندین کتاب در تاریخ انگلستان و شرح حال رجال بزرگ آن سرزمین تألیف نموده در ضمن سخنرانی خویش در لندن قبل از آغاز جنگ اخیر مدعی بود که انگلیسها پنج روز بعد را نمیتوانند پیش بینی کنند و تا پیشانی آنها بسنگه هصادف نشود خطر را احساس نمیتوانند ، سپس خطاب به مستمعین اظهار داشت : « ای آقایان انگلیسها ،

از مدتها باین طرف این افسانه بی پایه و مایه در مغز موهوم پرست اکثر رجال ایران میخکوب شده مبنی بر اینکه در عالم سیاست هیچ رطب و یا بسی وجود ندارد الا آنکه در لیست سیاه و سفید سرویس مخفی انگلیس مضبوط باشد و انگلیسها بهیچوجه جائز - الخطا نیستند آنچه کرده و می کنند از روی درایت و مآل اندیشی است ، دستگاه خلقت با انگشت تدبیر آنها می چرخد هر گاه از اقداماتشان نتیجه مطلوبه حاصل نمی شود گویا عقول ناقص بشری قادر به درک علت آن نبوده و بعدها شاید پس از یک قرن بتوانیم بفهمیم که یک خبط فاحش را بکدام منظور عالماً و عامداً مرتکب شده اند .

حقیقت عکس اینست یعنی انگلستان

فقط باز و رو قدرت توانسته بود بتأسیس یک امپراطوری عظیم توفیق یابد ، تا اوایل قرن بیستم که طیاره اختراع نشده بود جز ایر برطانی کبیر غیر قابل نفوذ بشمار میرفت چون محاط بود از بزرگترین نیروی دریائی ، احدی قدرت نداشت به آن سرزمین خصمانه نظر افکند ، از روزی که سلطه آدمی بر هوا از قوه بفعل آمد انگلستان دیگر نتوانست لاف جزیره بودن و مصونیت داشتن بزند از آن تاریخ زور بازویش کاسته شد و غنائمی که با آتش و آهن ( نه با تزویر و تدبیر ) بدست آورده بود بتدریج از چنگش رها گردید .

انگلیسها در هیچ کشور دیگر جز ایران بهوش و فطانت معروف نیستند حتی نویسندگان و سیاسیون خودشان باین نکته اعتراف دارند

من دوست شما هستم آمدهام بشما بگویم که  
هیتر با عقد موافقت نامه بحری - سه بريك  
شماها را فریب داده و اغفال نموده مشغول  
ساختن تانك و طیاره میباشد و سرویس جاسوسی  
شما از همه جا بی خبر در خواب غفلت غنوده  
است .

ما منكر خصائل ملت انگلیس نیستیم ،  
ملتی است دلیر ، آزادبخواه و عدالت دوست  
در عقاید خود مصر و عنود اما عموماً بطئی -  
الانتقال و از این جهت سیاستمداران انگلستان  
مرتکب خطاهائی شده اند که در زمان قدرت  
مکتوم مانده و اکنون که دوره کاهش نیرو  
فرا رسیده از پشت پرده استتار نمودارمی -  
گردد ؛ با يك لجاج ناپهنگام در موضوع  
صادرات چای کشور مینو نشان یعنی مستعمره  
وزر خیر اتا زونی آمریکا را از دست دادند  
و سایر مستملکات و معا بر استراتژیکی رایکی  
پس از دیگری رها نمودند ، چنانکه در  
پایان نیمه اول قرن بیستم گوهر گرانبهای  
مانند هندوستان را از اکلیل امپراطوری  
رها نمودند . خوشوقت هستند که ممالک «مشارك  
المنافع» تشکیل داده اند و حال آنکه در  
حقیقت مجموعه ایست از کشورهای مختلف -  
المنافع .

اگر انگلستان در دو جنگ بین المللی  
پیروزمند شد از راه فداکاری و جانبازی و  
جرات و جسارت بوده نه بواسطه عقل و  
مال اندیشی . نباید تصور نمود که دیپلوماسی  
انگلیس این دو جنگ را با علم به فتح نهائی  
برپا کرده است بلکه باید فهمید انگلستان  
در دو جنگی کشیده شده که برای هیچیک خود  
را آماده نساخته و فقط در حین محاربه  
توانست قوای خویش را گرد آورد معذک  
در نتیجه از هر دو جنگ معناً متضرر شد . باید  
دانست هر کشوری در تاریخ ایام عزت و

ذلتی داشته گاهی باوج عظمت و زمانی به -  
حضیض حقارت افتاده است همانطور که در  
قرن شانزدهم مملکت اسپانی به قله برتری  
رسید در قرن هفدهم و هجدهم فرانسه تفوق  
را بدست آورد ، در قرن نوزدهم نوبت به  
برطانی کبیر رسید و در دنیا کوس فرمانروائی  
زد ولیکن از قرن بیستم قوس نزولی را طی  
می کند . جنگ ترانسوال تکان شدیدی به  
انگلستان داد ، جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ پایه  
اخلاقی و معنوی آن مملکت را متزلزل  
ساخت . جنگ ۱۹۴۵-۱۹۳۹ اساس مالی  
و اقتصادی و اجتماعی انگلستان را واژگون  
نمود . بدبختانه سیاسیون ایران گرفتار  
يك مرض عمومی و مسری و درمان ناپذیر  
راجع به کرامات دیپلوماسی انگلیس شده اند .  
کوچکترین زحمتی برای غور و تأمل در  
مسائل بین المللی بخود نمی دهند نه جرائد  
خارجه و نه کتاب مطالعه می کنند ، نه تفسیر  
مفسرین رادیوهای خارجی را گوش می دهند  
تصور می نمایند سیاست و دیپلوماسی عبارت  
از نوشیدن يك جرعه ککتل در يك سفارت  
بیگانه و بعد حد سیات و تصورات و موهومات  
را لباس واقمیت پوشانیدن است . ما بگوش  
خود از يك دیپلومات ایرانی شنیدیم که با  
آب و تاب بسیار و بالجن آمیخته باعجاب و  
تحسین می گفت :

و پالمستون دستکش سبز رنگ بر  
دست و دبیر املی پالتوسفید بر تن و انگشتری  
قلمزده بر انگشت می کرده است ا  
اساساً در مشرق عادت به افسانه و  
مبالغه دارند مخصوصاً در ایران هر اقدام  
عادی سفارت انگلیس را با شاخ و برگهای  
گونگون انتشار می دهند و از اهمیت نفوذ  
انگلیس و اعمال جادوگرانه دیپلومات های  
انگلیسی داستانها میسرایند .

کردن صنعت نفت را ممکن ساخت .  
( اصطلاح منطقی « آلت فعلی » را  
که تقی زاده بموقع بکاربرد درک نکرده و



حکیم الملک



محمدعلی فروغی

اینک موضوع فرانسوونها را مثال  
می آوریم .

تشکیلات مخفی فرانسوونری که  
بقارسی فراموش خانه ترجمه شده یک مجمع  
اخلاقی است که هرگز در کارهای سیاسی  
مداخله مؤثری نداشته و ندارد در عهد  
ناصرالدین شاه ملکم خان که از آزادیخواهان  
معروف آن زمان بود اقدام بشکیل فراموش-  
خانه نمود که در نتیجه سوء ظن شاه قاجار  
منحل گردید. بعدها در رژیم مشروطیت شعبه ای  
از فرانسوونری فرانسه بنام (شرق بزرگ)  
تأسیس یافت و رجال مشهور مانند حاج سید  
نصرالله تقوی و حکیم الملک و فروغی در از  
آن قرار داشتند .

در سالهای اخیر یک مرتبه در شهر  
شهرت یافت که فرانسوونری یک مؤسسه  
سیاسی است که انگلیسها بریاست سید حسن  
تقی زاده تشکیل داده و حل و فصل کلیه امور  
مصله ایران را بدست آنه و سسه سپرده اند .  
هیچکس نپرسید که چگونه تقی زاده  
که مدت پنجاه سال امتحان آزادی طلبی  
داده دفعتاً آلت اراده سفارت انگلیس قرار  
گرفت البته در صدر مشروطیت غالب احرار  
از قبیل تقی زاده و مستوفی الممالک و مشیر الدوله  
و مؤتمن الملک و سلیمان میرزا انگلستان  
را به روسیه مرجع دانسته و تمایلات آنکلو-  
فیلی داشتند اما پس از عهد نامه ۱۹۰۷ این  
تمایلات رو بکاهش نهاد تا آنکه در جنگ  
بین الملل اول تقی زاده به برلن رفته و در  
آنجا در راس یک کمیته ایرانی و هندی مبارزات  
بی امانی بر علیه انگلیس و روس آغاز نمود و  
افکار عمومی ایرانیان و هندیها را بر ضد  
متفقین برانگیخت .

پس از شهریور ۱۳۲۰ نطق شکننده  
تقی زاده در مجلس بود که ارکان امتیاز نامه  
نفت جنوب را بلرزه انداخت و نهضت ملی

مفهوم مخالف بدان اذند یعنی توجیهی  
مالایرضی صاحبه بعمل آوردند .



شاید مبالغه نباشد اگر بگوئیم حتی  
هندها یادگار سال سیاه را فراموش نمودند  
و اعمال جابرانه کمپانی هند شرقی را بعد  
از غفوه عمومی لرد کانینگ و صدور اعلامیه  
ملکه [ ویکتوریا از خاطرها زدودند اما  
تقی زاده هنوز تقسیم نامه ۱۹۰۷ و موافقت  
با اولتیماتوم ۱۹۱۱ را برسیاسیون انگلیس  
نمی بخشود .

یکی از اغلاط مشهور دیگر رابطه  
موهوم جزیره نشینان افسونگر با کاخ نشینان  
کرملین وهم آهنگی آنان در سیاست ایران  
میباشد که حتی رجال معروف ما راضی  
نشده اند افتخار تأسیس فرقه های کمونیستی را  
تنها به روسیه شوروی منتسب سازند . چنانکه  
یکی از ایشان چند سال قبل در يك مقام  
رسمی قبل از محکومیت خود گفت :

« . . . حزب توده بر دو قسم است

حزب توده روسی و حزب توده انگلیسی »

ما هر قدر تنحص نمودیم نتوانستیم بکنفر

از اعضای حزب توده متمایل بانگلستان را

پیدا کنیم شاید حکومت نظامی هم که تمام

مؤسسات آن حزب و اعماق منازل افراد آن

را با دقت و کنجکاوی تحت بازرسی قرار

داده نوشته های حاکی از رابطه يك کمونیست

ایرانی با يك انگلیسی بدست نیاورده باشد.

باری برخلاف معتقدین به اعجاز

انگلستان ما تصور می کنیم که صندوق

دیپلوماسی انگلیسها از سهو و خطا مالا مال

است ؛ برای ما پی بردن به اشتباهات

دیپلوماسی انگلستان در ایران از سایر نقاط

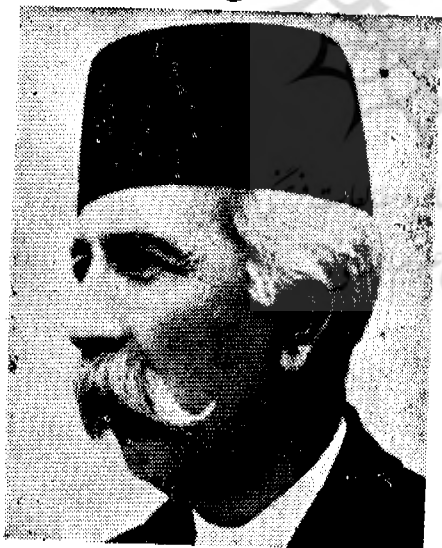
آسانتر است ، جز در انقلاب مشروطیت که

انگلیسها راه صواب اختیار نمودند و توانستند

محبت ملت ایران را بخود جلب نمایند در

اغلب موارد دیگر آنچه کرده اند موجب نفرت

تقی زاده



میرزا حسن خان مستوفی المماليك



### و ثوق الدوله

ها نمی شد هنوز پارك خیمایان فردوسی و باغ  
بیلاقی قلهك هردو خالی از سکنه افتاده  
بود .

تصور نشود که نگارنده ادامه قطع  
روابط سیاسی با دموکراسی بزرگی چون  
انگلیستان را مفید می دانستم زیرا از تمام  
قلب تصدیق داشتم که طبقه حاکمه انگلستان  
در آستانه سخت ترین آزمایش ها هرگز از  
آینده نومید نشده و اصول اساسی تمدن غرب  
یعنی احترام به شخصیت انسانی و بافکار  
اقلیت و آزادی مبارزات سیاسی را محفوظ  
داشته اند فقط آرزو داشتم دیپلمات های  
انگلیس پس از تجدید عهد معتقد شوند که  
اهمیت ایران به کوه و دشت و یا آب و درختان  
نیست بلکه بسته بساکنین آنست و تاموقمی  
که حسن نیت خویش را به ملت ایران ثابت  
نکنند منافع و مصالح حقیقی آنها در این  
کشور از گزند حوادث مصون نخواهد ماند.

یکسال بعد از آغاز مشروطیت معاهده  
کذائی منطقه نفوذ را منعقد ساخته سهم شیر  
را بروس ها واگذار کرده و پیشنهادات ایشان  
مبنی بر اینکه د از سطح خانه تا به لب بام  
از آن من، را پذیرفتند .

پنج سال بعد با اخراج شوستر  
مستشار آمریکائی که بطور وضوح بر ضررشان  
تمام شد موافقت کردند . سیزده سال بعد  
قرارداد مضحکی با وثوق الدوله بستند و  
ننوانستند پیش بینی کنند که سایر دول بزرگ  
مانع اجراء آن خواهند شد عاقبت هم قرارداد  
باطل شد و هم یکصد و سی هزار لیره رشوه  
که داده بودند موجب رسوائی راشی و مرتشی  
هر دو گردید ، در واقعه کودتا آلت دست يك  
سید جوان ایرانی شدند و آتش انضجار نسبت  
بخویش را بیش از پیش دامن زدند . دست  
پرورده مشروطیت حق داشت رقبه احتمالی  
خود را بزندان افکند اما معلوم نشد سفارت  
انگلیس از حبس بعضی از رجال انگلیس برست  
امتحان داده چه منفعتی برد جز اینکه عموم  
طبقات معتقد شدند که سفارت بریطانیا به  
دوست و دشمن نارو می زند . در جنگ  
بین الملل اخیر اگر دیپلمات های انگلیسی  
از روی عقل و درایت رفتار می کردند از طریق  
مسالمت آمیزی توانستند موافقت دولت ایران  
را برای استفاده از راه آهن سرتاسری بدست  
بیاورند بدون آنکه متحمل مخارج قشون کشی  
شوند و خاک ما را زیر اشغال سپاهیان بیگانه  
در آورند .

در قسبه نفت جنوب بطوری ناشیانه  
رفتار نمودند که نفت و آبروی خود را تواما  
از دست دادند و بعد از قطع روابط سیاسی هر  
گاه از طرف حریف ایرانی آنها بعضی خبط-